

جستاری در جنبه ایدئولوژیکی ترجمه‌های قرآن توسط خاورپژوهان (مورد پژوهی: ترجمه‌های فرانسوی بلاشر، برک و حمید الله)

علیرضا کاوند^۱

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۶)

چکیده

ناگفته پیداست که ترجمه هر متنی، متن اصلی را بازنویسی می‌نماید و آن را با ضوابط و معیارهای زبانی، فرهنگی و عقیدتی زبان مقصد منطبق می‌سازد. از این رو، جدا سازی جنبه ایدئولوژیک، از سایر جنبه‌های ترجمه، غیرممکن می‌نماید. با این حال، این جنبه تحت هیچ شرایطی نباید متن اصلی را تحریف کرده یا مفاهیم آن را تغییر دهد. اما این ایدئولوژی، در فرایند ترجمه‌های به ظاهر علمی و دقیق بسیاری از خاورپژوهان، اثر گذاشته است. در این تحقیق که با رویکرد توصیفی تحلیلی صورت گرفته این نتایج به دست آمده: ۱- سیاست بلاشر در ترجمه قرآن گاه، جعل و دستکاری ترتیب آیات و تصرف در متن اصلی و نیز تحریف دلالت‌های الفاظ اسلامی و قرآنی است. ۲- ترجمه برک، از ترجمه‌های منصفانه قرآن قلمداد می‌شود که از جهاتی با ترجمه بلاشر تفاوت ماهوی دارد و اشکالات بسیار کمتری دارد. ۳- ترجمه حمیدالله نیز شامل برخی خطاهاست و در آن موارد خاصی قادر به انتقال صحیح مفهوم دقیق و کامل متن قرآن به خواننده فرانسوی زبان نیست.

کلید واژه‌ها: ترجمه فرانسوی، مفاهیم قرآن، خاورپژوهان، بلاشر، برک، حمید الله.

۱- مقدمه

۱-۱. بیان مساله

مفهوم ایدئولوژی اولین بار در سال ۱۷۹۶م از جانب نویسنده فرانسوی آنتوان دستوت دوتراسی^۱، مطرح شد. این مفهوم، بر علم جدیدی که به بررسی افکار می‌پردازد دلالت دارد، و به اجمال، منظور از آن، ترتیب دادن افکار و اعتقادات در یک جامعه یا گرایش و رویکرد فکری فرد یا جامعه است. اما اخیراً این مفهوم، با اعتقادات سیاسی و دینی افراد و گروه‌های گوناگون، عجین شده، و گاه، بار معنایی منفی به خود گرفته است. ارتباط وثیق ایدئولوژی با ترجمه، تاکید بر این مساله دارد که فرایند ترجمه، پیش از هرچیز، مساله‌ای ایدئولوژیکی است که بی‌طرفی متن را در ارتباط با مخاطب نفی می‌نماید، و هر متن، به درجات مختلف، می‌تواند از گرایشی دینی یا فرهنگی یا سیاسی یا ایدئولوژیکی برخوردار باشد. هواداران این رویکرد از جمله‌هانی مشونیک^۲ و روت برمن^۳ بر این باورند که مترجم، نمی‌تواند در برابر زبان یا فرهنگ خاص خود یا زبان دیگر و فرهنگ آن، موضع‌گیری معینی نداشته باشد، بنابراین مفهوم «بی‌طرفی» مترجم نزد این افراد، نوعی خیال‌پردازی بوده و از سوی دیگر، ایدئولوژی بخش جدایی‌ناپذیر از فرایند ترجمه است (گایدر، ۲۶). در این تحقیق که با رویکرد توصیفی تحلیلی صورت گرفته به دنبال بررسی و واکاوی جنبه ایدئولوژیکی ترجمه‌های قرآن توسط خاورپژوهان هستیم که در این راستا ترجمه‌های فرانسوی بلاشر، برک و حمیدالله را، مورد پژوهانه، مورد تحلیل و بررسی قرار داده ایم و به نواقص و نقاط قوت و ضعف این سه ترجمه پرداخته‌ایم. ضرورت تحقیق حاضر از این روست که باید معارف و حیانی قرآن، به فرانسوی زبانان، به شکلی صحیح و غیرمحرّف و واقع‌بینانه منتقل گردد.

1. Antoine Destutt de Tracy

۲. Henri Meschonnic (1932-2009)؛ هانی مشونیک زبان شناس و مترجم فرانسوی.

۳. Ruth Berman؛ خانم روت برمن ملقب به آرونسون، زبان شناس اسرائیلی.

۲-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه پژوهش حاضر تاکنون اثر جامع و مستقلی نگاشته نشده اما تحقیقات و پژوهشهایی که جدیدتر بوده و در برخی موارد با این تحقیق مشابهت دارند، عبارتند از: ۱- بررسی مقایسه‌ای برگردان استعاره‌هایی از سوره بقره به زبان فرانسوی از منظر راهبردهای نیومارک: مطالعه موردی ترجمه‌های رژیس بلاشر و ژاک برک، نوشته زینب رضوان طلب و احسان دباغ، فصلنامه زبان پژوهی، دوره ۱۳، شماره ۳۸ بهار ۱۴۰۰ش؛ به گفته نویسندگان، با توجه به چالشی بودن مسئله استعاره، مقاله حاضر ابتدا، به بیان مفهوم استعاره پرداخته و نظریه‌های نیومارک در پیوند با تکنیک‌های برگردان استعاره را معرفی می‌کند. سپس، مقایسه‌ای تحلیلی میان چگونگی عملکرد دو مترجم مشهور فرانسوی قرآن کریم در قرن بیستم، بلاشر و برک، در محدوده آیه‌های برگزیده سوره بقره انجام داده است. این مقاله ثابت کرده که دو مترجم با وجود قرار گرفتن در چارچوب‌های زمانی-مکانی یکسان و دارا بودن دورنمای اعتقادی و پیش فرض‌های ایدئولوژیک نزدیک به هم، از شیوه‌های گوناگون و متفاوتی در برگردان استعاره‌ها بهره گرفته‌اند. این تفاوت سبک، از سویی ریشه در اختلاف در برداشت دو مترجم از مفهوم آیه‌ها و از سوی دیگر نشان دهنده تفاوت سلیقه‌های ساختاری آن‌ها و میزان وفاداری مترجمان به متن اصلی است. ۲- نقدی بر ترجمه بلاشر، نوشته جواد حدیدی، مجله ترجمان وحی، اسفند ۱۳۷۶ش، شماره ۲؛ نگارنده بیان داشته که بلاشر با پیروی مفرط از الفاظ و سیاق که البته از روحیه علمی او برمی خاسته، به گونه‌ای به ترجمه قرآن پرداخته که به دلیل توجه بیش از حد به ترجمه تحت‌اللفظی، عبارات ترجمه‌ای‌اش، گاه گنگ و نامفهوم می‌گردد؛ نگارنده سپس موارد و مصادیق مورد بررسی خود را ارائه داده و مورد نقد قرار داده است. ۳- نگاهی به نخستین ترجمه‌های قرآن به فرانسه، نوشته یاسین خوشحال، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، تابستان ۱۳۸۳ش، شماره ۱۵؛ این مقاله نگاهی اجمالی به روند ترجمه قرآن به فرانسه در طول چهار قرن (از ۱۶۴۷م-۱۹۹۹م) انداخته و راهکار مناسبی را برای ارائه یک ترجمه

خوب از قرآن پیشنهاد کرده است؛ ۴- بررسی نشانه معناساختی واژگان «ذکر» و «خیر» در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه‌ی فرانسوی قرآن کریم، نوشته‌ی نسرین اسماعیلی، و همکاران، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، بهار ۱۳۹۶ش، شماره ۲۸؛ در این پژوهش، دو واژه چندمعنایی «ذکر» (آیه ۹ سوره جمعه) و «خیر» (آیه ۳۰ سوره نحل) با توجه به بافت و واحدهای هم‌نشین و به منظور دریافت معنای صحیح بررسی شده و سپس چگونگی معادل‌گزینی این واژگان توسط هفت مترجم فرانسوی، یعنی ماسون، ساواری، شورکی، برک، گروس ژان، بلاشر و کازیمیرسکی تحلیل شده است. همچنین ترجمه پیشنهادی، ارائه شده و در نهایت به این سؤال پاسخ داده شده که مترجم چگونه می‌تواند در عین وفاداری نسبی به متن مبدأ، فحوای کلام را به مخاطب انتقال دهد. از میان مقالات غیرفارسی در این زمینه می‌توان به مقالات زیر اشاره کرد: ۱- مقاله فرانسوی «ترجمه‌ی قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسه»، نوشته شادیه ترابلسی، مترجم: هلیا ناصرگیوه چی، مجله: ترجمان وحی، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ش، شماره ۳۴؛ به گفته ترابلسی، در میان مترجمان قرآن به فرانسه دو گرایش شکل گرفته است؛ برخی از آنان به زبانی فاخر متوسل می‌شوند تا حتی الامکان غنای نگارشی و سبک متن اصلی را حفظ کنند و سایرین ترجیح می‌دهند از سبک نگارشی قرآن تقلید کنند تا بتوانند زیبایی آن را منتقل سازند. همچنین تاکید شده که چندان نمی‌توان به ترجمه‌های تحت‌اللفظی قرآن به فرانسوی اعتماد کرد. ۲- بررسی ترجمه فرانسوی قرآن نوشته آندره دوریه، نوشته «غازی جورف، تریستان ویلیانو و محمد خالی» که در مجله فرانسوی مطالعات اسلامی، شماره ۲۶۶ سال ۲۰۰۱م منتشر شده است. این مقاله به بررسی نحوه استفاده دوریه از تفاسیر مسلمانان در ترجمه قرآن اش پرداخته است و به مساله نقد ترجمه وی اقدام نشده است. ۳- نقد ترجمه فرانسوی قرآن نوشته ژاک برک که نویسنده آن، دکتر عبد الجبار توامه است و در مجله المترجم در سال ۲۰۰۸م منتشر شده، صرفاً از منظر سیاق به نقد این ترجمه اقدام کرده است. ۴- مقاله «Les débats autour de la traduction du

«Coran» (بحث‌هایی پیرامون ترجمه قرآن) نوشته جعفر صادق و صلاح بسامه که در این مقاله که در سال ۲۰۰۸م در مجله الهیات منتشر شده، در دو سطح به موضوع ترجمه قرآن می‌پردازد. بخش اول، پژوهشی تاریخی که از طلوع اسلام آغاز شده و به دوران معاصر می‌رسد و انگیزه‌های سیاسی اجتماعی ترجمه‌های مختلف قرآن را در طول تاریخ روشن می‌کند؛ همچنین طرح کلی مواضع مخالفان و موافقان ترجمه قرآن را ارائه می‌کند. بخش دوم نیز به دیدگاه ترجمه اختصاص دارد که در آن بازنمایی ای از زبان عربی قرآن و همچنین ترجمه آن از گفتاری عمدتاً فقهی که آنها را به منصفه ظهور رسانده، ارائه می‌شود. این مقاله در نهایت آشکار می‌شود که دیدگاه‌های مختلف در مورد ترجمه قرآن، راهگشای مقابله با چالش‌های عصر ماست ۵- مقاله «نخستین ترجمه‌های فرانسوی قرآن (قرن هفدهم تا نوزدهم)» نوشته سیلوت لارزول^۱ که در مجله آرشیو علوم اجتماعی ادیان، شماره ۱۴۷ منتشر شده است. به گفته نویسنده مقاله، در اوایل قرن هفدهم، ترجمه قرآن در فرانسه از اختلافات مذهبی جدا شد. با این حال، قبل از کازیمیرسکی^۲ در اواسط قرن نوزدهم، هیچ ترجمه فرانسوی قابل اعتمادی در دسترس نبود؛ آثار با کیفیت آنتوان گالاند^۳ در اوایل قرن هجدهم، قبل از انتشار، دچار مشکلاتی شد و به سرانجام نرسید و نیز ترجمه پیشگام دوریه در ۱۶۴۷م و نیز نسخه ساواری^۴ بسیار ناقص باقی ماندند. این مقاله تمام این ترجمه‌های فرانسوی را که در فضایی اروپایی انجام شده مورد بررسی قرار می‌دهد و کاستی‌های آنها را نسبت به دو ترجمه معتبر یعنی ترجمه لاتینی ماراچی^۵ (۱۶۹۸) و ترجمه انگلیسی جرج سیل^۶ (۱۷۳۴) اشاره می‌کند.

۳-۱. سوالات پژوهش

پرسشی در اینجا وجود دارد و آن اینکه چگونه جنبه ایدئولوژیکی، بر ترجمه قرآن

1. Sylvette Larzul
2. Kazimirski
3. Antoine Galland
4. Savary
5. Marraci
6. George Sale

کریم از سوی خاورپژوهان توسط آنان تاثیرگذار بوده است؟ همچنین تا چه اندازه، ترجمه‌های برخی از آنها، ابزاری برای جعل و دستکاری کلام خداوند متعال بوده است؟ عموم آنان نمی‌دانستند که قرآن کلامی اعجازوار است که به زبان عربی مبین نازل شده، بخصوص که متن و مضمون قرآن با علامات و مشخصاتش از سختترین متون قابل ترجمه به‌شمار می‌آید. پاسخ این دو پرسش را، از خلال بررسی نمونه‌هایی از متن یکی از ترجمه‌های قرآنی بحث برانگیز، می‌دهیم که همان ترجمه رژی بلاشر فرانسوی است؛ این ترجمه را با دو ترجمه دیگر قرآن کریم مقایسه می‌کنیم است، که این دو ترجمه دو ایدئولوژی مختلف را منعکس می‌نماید: ترجمه اول ترجمه شرق شناس فرانسوی «ژاک برک» است که به اعتدال و واقعیت نسبی در مسیر ترجمه‌اش معروف بوده است. موضع و رویکرد او در ضمن نظام شرق شناسی معاصر، در قیاس با دوستان و همکارانش بسیار متمایز است زیرا آنان برخلاف وی، در راستای هجوم به اسلام و قرآن کریم و زشت جلوه دادن حقایق، از هیچ تلاشی دریغ نکردند. ترجمه دوم، ترجمه مسلمان هندی، محمد حمید الله است.

۱-۴. مبانی و مفاهیم نظری پژوهش

متون دینی، متونی است که هنگام ترجمه، بیشتر، زوایای ایدئولوژیک در آن نمایان می‌شود و قطعاً آن، منطبق با ترجمه قرآن کریم از سوی خاورپژوهان است که مالک بن نبی، آنها را نویسندگان غربی‌ای معرفی می‌نماید که در رابطه با افکار اسلامی و فرهنگ و تمدن اسلامی می‌نویسند (بن نبی، ۵). مالک بن نبی، خاورپژوهان را در دو گروه و مجموعه اصلی طبقه بندی نمود: الف) از نظر زمانی در دو طبقه: قدام و معاصران. ب) از لحاظ گرایش عمومی و کلی به سمت اسلام و نگارش‌های مسلمانان در دو طبقه: ۱- طبقه افرادی که فرهنگ و تمدن اسلامی را ستایش و مدح می‌نمایند ۲- طبقه افرادی که از این فرهنگ و تمدن انتقاد می‌نمایند، و شهرت‌ش را لکه‌دار کرده و آن را بی‌نام و آوازه می‌نمایند. در عرصه جدال میان مبالغه در ستودن این خاورپژوهان، و عدم اعتقاد به داشتن هدفی

ارزشمند برای آنان از سوی دیگر، چنین قابل دریافت است که ترجمه شرق‌شناختی غربیان، سلاحی دو لبه بوده است: الف) یا بدین صورت بوده که، تمدن و فرهنگ عربی و دستاوردهایش را معرفی و شناسایی نمود. ب) یا اینکه چهره تمدن عربی را مخدوش ساخت و بسیاری از آثارش را مورد دستکاری قرار داد و مهم‌ترین مفاهیم و رموزش را تحریف کرد که این رموز اصلی، مطالبی ارزنده است که در قرآن کریم است (همان، ۸).

۲- خاورپژوهان و ترجمه قرآن

مترجمان قرآن به زبانهای مختلف، در سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند:

الف) مترجمان غیرمسلمان که زبان عربی را خوب فراگرفته‌اند و در میراث آن، با اهداف مختلف به تحقیق و بررسی پرداخته‌اند.

ب) مسلمانان غیرعرب که ترجمه‌های آنها، نوعی تقرب به خداوند متعال و خدمت به دین اسلام بوده است.

ج) مترجمان عرب که زبانهای ملت‌های دیگر را به خوبی فراگرفته‌اند که دو نوع‌اند:

۱- نوع اول ازین مترجمان، به ترجمه‌هایی پاسخ دادند که تحریف آنها را کشف کردند و متوجه شدند که این دست ترجمه‌ها، هدفشان بد جلوه دادن معانی و مضامین قرآن است.

۲- نوع دوم، عربهای غیرمسلمان‌اند.

در رابطه با اهداف خاورپژوهان از ترجمه قرآن، دو گرایش و رویکرد وجود دارد:

الف) یا برای آگاهی از آن و استفاده از آن

ب) یا برای جنگ و مبارزه با آن با اینکه پیش از چنین برخوردی با قرآن، آگاه از مضمونش شدند و تلاش کردند تا از قدسی بودن و پاکی خالی اش کرده و محتوای تعالیمش را بد جلوه دهند.

اسماعیل علی محمد، به خطای کسانی که در ستایش خاورپژوهان افراط کرده‌اند، اذعان داشته و بر این باور است برخی متفکران در جهان اسلام، به اشتباه معتقدند که صرفاً

انگیزه علمی در پسِ ظهورِ شرق شناسی بوده و صرفاً تمایل و رغبت نسبت به خدمت به دانش، انگیزه تمام مطالعات و پژوهشهای شرق شناسی بوده است؛ وی معتقد است که از سوی دیگر کسانی که به خاورپژوهان به گونه‌ای افراطی، حمله ور می‌شوند و آنان را بی‌هیچ تمایزی، متهم به مقاصد شوم می‌کنند، به خطا رفته‌اند (محمد، ۵۲).

اما نکته اینجاست که گرچه هدف شریف و والایی در میان انگیزه‌های برخی خاورپژوهان قابل مشاهده است اما این مساله بسیار ناچیز و کمرنگ است و گاه در محیط عوامل و انگیزه‌های مشکوک، چندان قابل کشف نیست و حتی در برخی موارد، اهدافی اهداف و مقاصدی پلید در این زمینه دیده می‌شود که در آثار برخی خاورپژوهان به وضوح قابل رؤیت است.

۳- آشنایی با ترجمه‌های فرانسوی قرآنِ ژاک برک و محمد حمیدالله

ترجمه محمد حمیدالله یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های معانی قرآن کریم به زبان فرانسه است، اما شامل برخی خطاها بوده و در آن موارد، قادر به انتقال صحیح مفهوم دقیق و کامل متن قرآن به خواننده فرانسوی زبان نبوده است. پس از اعمال برخی اصلاحات از طرف ریاست عمومی اداره تحقیقات آکادمیک و صدور فتوا پادشاهی عربستان، چاپ ترجمه فرانسوی وی به تصویب رسید، مشروط بر اینکه نقدها و نظرات ارزیابان ترجمه محمد حمیدالله اعمال شود. هدی بنت محمد جمیل برینجی، استادپار گروه زبان فرانسه، دانشکده زبان و ترجمه، دانشگاه ملک سعود، طی پژوهشی تحت عنوان «برخی مشکلات مانع ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسه»، به منظور اصلاح برخی خطاهای موجود در ترجمه‌های فرانسوی قرآن، موارد خطای موجود در ترجمه حمیدالله را نیز مشخص کرد و ترجمه حمیدالله با این ملاحظات منتشر شد (نک: حکم، ۶۶). از سوی دیگر ترجمه برک، از جمله ترجمه‌های تقریباً منصفانه در میان ترجمه‌های خارجی قرآن قلمداد می‌شود که از جهات متعددی با ترجمه بلاشر تفاوت ماهوی داشته و اشکالات بسیار کمتری نسبت به ترجمه بلاشر دارد. (نک: حملیل، ۴۳-۶۹).

۴- شرق شناس فرانسوی، رژی بلاشر (۱۹۰۰-۱۹۷۳)

رژی بلاشر، از مشهورترین خاورپژوهان فرانسوی در قرن بیستم است که در حومه و نواحی اطراف پاریس در فرانسه متولد شد، در سال ۱۹۱۵م، با خانواده اش به مراکش سفر کرد و زبان عربی را فراگرفت. پس از دریافت مدرک لیسانس، جهت ادامه تحصیلاتش در دانشگاه، به الجزائر رهسپار شد، تا این که در سال ۱۹۲۲م موفق به دریافت مدرک لیسانس زبان عربی شد.

بعد از گذشت چند سال، مدرّس زبان عربی شد و به‌عنوان پژوهشگر در آکادمی تحصیلات عالیه مراکش در شهر رباط به بحث و بررسی و تحقیق پرداخت. در سال ۱۹۳۵م به فرانسه رفت، تا زبان عربی را در مدرسه معروف زبانهای شرقی تدریس نماید. وی مدرک دکترای ادبیات عرب را از دانشگاه سوربون با موضوع پایان‌نامه پیرامون «شاعر بزرگ عرب، ابوالطیب المتنبی» دریافت نمود. وی بعنوان استاد ادبیات عرب عصر میانه (قرون وسطی)، در دانشگاه سوربون در خلال سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ مشغول به تدریس شد، و همزمان با تدریس، به فعالیت‌های زیادی پرداخت. به عنوان نمونه: مدیر آکادمی و آموزشگاه بررسی‌ها و پژوهشهای اسلامی؛ مدیر آکادمی پاریس؛ موسس انجمن پیشرفت و توسعه بررسی‌ها و پژوهشهای اسلامی (لأئوست، ۵۶۲-۵۶۳).

از مهم‌ترین آثارش، ترجمه قرآن کریم به زبان فرانسوی است که دوبار به چاپ رسیده است: چاپ اول (۱۹۵۰) بر اساس تسلسل و ترتیب نزول سوره‌های قرآن است که مخالف با ترتیب فعلی مندرج در مصحف قرآن کریم است. وی پس از این که با انتقادات بسیاری در این سبک از ترجمه، روبرو شد به احترام ترتیب اصلی مصحف - باوجود شک و تردید دایمی اش نسبت به روشی که قرآن در عهد عثمان بن عفان با آن، جمع آوری شده بود- آن را برای دومین بار در سال ۱۹۵۷م به ترتیب فعلی مصحف چاپ کرد. وی مجموعه مقالاتی پیرامون برخی اصطلاحات قرآنی (نفس و روح: ۱۹۸۴) نوشت، و بین آیات قرآن و بندهایی از اناجیل مقایسه نمود (۱۹۷۳).

اما در رابطه با سیره و اخلاق نبوی، بلاشر دو کتاب در رابطه با پیامبر اکرم ﷺ نوشته است که عبارتند از:

1- Le problème de Mahomet: Essai de biographie critique du fondateur de l'Islam (چاپ ۱۹۵۲)

(مساله محمد ﷺ: زندگینامه انتقادی بنیانگذار اسلام)

2- Dans les pas de Mahomet (چاپ ۱۹۵۶) (همگام با محمد(ص))

وی در آن دو کتاب، تعصب نادرستی در مخالفت با سیره ایشان داشته است، و در صحت بسیاری از احادیث نبوی، تشکیک‌ها و تردیدهایی مطرح کرده است. همچنین بلاشر به پژوهش و مطالعه در ادبیات و زبان عربی پرداخته، که از مهم‌ترین آن پژوهشها می‌توان به این دو مورد اشاره کرد:

1-L'Histoire de la littérature arabe des origines à la fin du XV^e siècle (در سه جلد)

(تاریخ ادبیات عرب از پیدایش تا پایان قرن پانزدهم)

2- Grammaire de l'arabe classique (دستور زبان عربی کلاسیک)

3- Éléments de l'arabe classique (عناصر عربی کلاسیک)

علاوه بر اینها، قاموس لغت عربی - فرانسوی - انگلیسی را نیز نگاشته است. به چند دلیل به تحقیق و بررسی ترجمه شرق شناس فرانسوی رژی بلاشر پرداخته شده است:

الف) این ترجمه، جنجال زیادی را در محافل علمی ایجاد کرده، به خصوص بعد از متهم شدن وی به نقض قداست و پاکی وحی الهی و رفتار ظالمانه و اجحاف آمیز در قبال قرآن کریم از جمله جعل و دستکاری ترتیب آیات، حذف و اضافه و تحریف دلالت‌های مفاهیم اسلامی.

ب) شناخت مصادیق تشکیک در بسیاری از حقایق و مسائل مسلم و واضحی که به عنوان مسلمان به آن باور و ایمان داریم.

ج) آگاهی از میزان تحریف ترجمه قرآن از سوی بلاشر.

۵- برخی مغالطه‌های تحریف آمیز در ترجمه قرآن بلاشر و مقایسه آن با دو ترجمه برک و حمیدالله.

در این جا، به بررسی مغالطه‌های تحریف آمیز موجود در ترجمه قرآنی بلاشر پرداخته و جهت تنویر بهتر این گونه مصادیق در ترجمه وی از قرآن، آن را با دو ترجمه «ژاک برک» و محمد حمید الله مقایسه می‌کنیم. از این رو، این پژوهش تحلیلی - تطبیقی، به سه ترجمه با رویکردهای مختلف ایدئولوژیکی سه فرد: کافر، مسیحی معتدل و مسلمان تکیه می‌نماید.

۵-۱- عنوان ترجمه

عنوان‌هایی که خاورپژوهان برای ترجمه‌های قرآنی خود برمی‌گزینند، مواضع آنها را در برابر ترجمه این نوع از متون و در رابطه با برخی گرایشها و رویکردهای ایدئولوژیکی شان آشکار و مشخص می‌نماید، و آن چیزی است که بطور مثال این ترجمه‌ها، گویای آن است:

۱- Le Coran. Traduction selon un essai de reclassement des sourates (ترجمه قرآن بر اساس طبقه بندی مجدد سوره‌ها) که اثر رژی بلاشر است.

۲- Le Coran. Essai de Traduction (قرآن؛ گفتار ترجمه) که اثر ژاک برک است.

۳- Le Saint Coran et la traduction en langue française du sens de ses versets (قرآن کریم و ترجمه فرانسوی معنای آیات آن) که اثر محمدحمیدالله است.

محمد حمیدالله، عنوان «ترجمه معانی قرآن» را برگزید که حاکی از محال بودن و غیرممکن بودن ترجمه اعجاز موجود در متن قرآن است، به همین خاطر وی به کمک تفاسیر عربی اصیل و مهم، صرفاً معانی آن را ترجمه می‌نماید، که حمزه بویکر^۱ و

۱. حمزه بویکر (۱۹۹۵-۱۹۱۲)، امام جماعت مسجد پاریس از ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۲ بوده که ترجمه‌ای فرانسوی از قرآن در ۱۹۷۲م ارائه داده است. نام ترجمه‌اش:

(Le Coran: traduction française et commentaire d'après la tradition, les différentes écoles de lecture, d'exégèse, de jurisprudence et de théologie, les interprétations mystiques, les tendances schismatiques et les doctrines hérétiques de l'Islâm, et à la lumière des théories scientifiques, philosophiques et politiques modernes)

صلاح‌الدین کشرید^۱ نیز با چنین سبکی ترجمه فرانسوی خود از قرآن را ارائه داده‌اند. زاک برک در ترجمه قرآن کریم که آن را «تلاش جهت ترجمه» نام گذاری کرده، به مساله سختی و دشواری ترجمه خصوصیات و ویژگی‌های بلاغی و بیانی قرآن کریم اقرار کرده و از آغاز، اعتراف نمود به این‌که محصول این اقدام، تلاشی است که هرگز شبیه متن اصلی قرآن کریم نیست.

اما استفاده از عنوان «ترجمه قرآن» توسط بلاشر، بیانگر این است که ترجمه متن قرآن همچون هر متن دیگری ممکن بوده و براین اساس، اعجاز و محال بودن ترجمه معانی و مفاهیم قرآن به زبانهای دیگر، درعین حفظ ظرایف موجود در متن اصلی، قابل نفی و خدشه است و می‌توان ترجمه‌ای بدیل متن اصلی عربی آن، ارائه داد.

از این‌رو، موضعش از ابتدا، در عنوانی که برای ترجمه انتخاب کرده، روشن بوده، و در طول ترجمه نیز، از خلال تصرفاتش در حق متن و مضمون قرآن که به عنوان نمونه شامل: تصرف در ترتیب سوره‌ها، حذف و اضافات برخی تعابیر در ترجمه و ... است، بسیار مشهود است.

۵-۲. دستکاری در ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن توسط بلاشر

دومین مغالطه تحریف‌آمیز بلاشر مربوط به دستکاری در ترتیب فعلی سوره‌ها در قرآن است. او درصدد ترتیب‌دهی مجدد سوره‌های قرآن براساس سلسله نزول آن بوده است و طبق این ترتیب، ترجمه‌ای را ارائه داده است؛ در حقیقت شک و تردید زیادی نسبت ترتیب فعلی مصحف داشته است.

وی در مقدمه ترجمه قرآن خود (بلاشر، ۱۱) نوشته:

«Ces textes, aujourd'hui, ne se présentent plus dans l'ordre chronologique de la révélation, mais d'après les longueurs décroissantes des chapitres ou sourates. Dans une certaine mesure on peut donc dire que nous lisons aujourd'hui le Coran à l'envers, puisque les premiers textes, les plus longs, sont d'une façon générale

۱. نام ترجمه‌اش:

Al-Quran Al Karim: Initiation Al'interpretation Objective Du Texte Intraductible de Saint Coran (نشر سال (۱۹۸۴-۸۴۲ص

formés de révélations parvenues à MAHOMET vers la fin de sa prédication. »

ترجمه:

«این متون، امروزه دیگر به ترتیب زمانی نزول ارائه نمی‌شوند، بلکه با توجه به کاهش فصل‌ها یا سوره‌ها ارائه می‌شوند. تا حدی می‌توان گفت که امروز قرآن را وارونه می‌خوانیم، زیرا اولین متون، که طولانی‌ترین متون هستند، به‌طورکلی از مکاشفاتی تشکیل شده‌اند که در پایان موعظه وی (خدا) به MAHOMET رسیده‌اند.»

در این بخش، بلاشر اشاره کرده که در آغاز، قرآن کریم، براساس سلسله نزول ترتیب داده شده بود (Ces textes... ne se présentent plus) یعنی همان‌طور که قبلاً گفته شد، او در نسخه اول براساس نزول و در نسخه بعدی طبق ترتیب مصحف فعلی به ترجمه قرآن پرداخت.

ترتیب سوره‌های قرآن کریم در مصحف فعلی، همان‌گونه است که در زمان پیامبر بود. عموم پژوهشگران و مفسران و محدثان، چنین اجماع دارند که ترتیب آیات در سوره‌های قرآن و نیز ترتیب سوره‌ها در مصحف امروزی، توقیفی است و به فرمان رسول خدا ﷺ بوده که کاتبانی داشته که قرآن کریم را با نظر شخص پیامبر می‌نوشتند، و توقیفیت این ترتیب، بخاطر ارتباطش با اعجاز قرآن است، و فرض این است که کسی به نظم قرآن کریم و ترتیب آن نمی‌تواند لطمه و خدشه وارد نسازد.

محمد احمد القاسمی تاکید می‌نماید که آیات بر خاتم انبیا نازل شده و جبرئیل او را بر مواضع آیات قرآن هدایت و راهنمایی نمود، و رسول خدا ﷺ آن را به صحابه اش ابلاغ نمود و به کاتبان وحی دستور داد تا طبق نظرش که برگرفته از وحی جبرائیل بود، آیات را در مواضع خاص خود بنویسند؛ صحابه بعد از وفات پیامبر ص قرآن را حفظ نمودند و نسبت به این ترتیب فعلی، اجماع نمودند (قاسمی، ۲۴۴). بلاشر مورد عیب و سرزنش قرار گرفت زیرا تلاش کرد که آیات ناقص را با اجزائی از تورات کامل نماید و برخی آیات را از مواضعش تغییر دهد و به اصطلاح خودش، تصحیح کند که این دقیقاً همان روشی است که برای نسخه اصلی قرآن کریم انجام داده است (بقاعی، ۱۶)؛ به عنوان نمونه:

۱- او هنگام ترجمه سوره نجم، در صفحه ۵۶۱ عبارت «وإنها الغرائق العلی و إن

شفاعتھن لترتجی» (آنها پرندگان زیبای بلندمقامی‌اند و از آنها امید شفاعت می‌رود) را بعد از آیه ۲۰ اضافه نمود. وی این دو جمله را به عنوان دو آیه قرآن کریم افزود:

20: et Manat, cette troisième autre?

20 bis : Ce sont les sublimes Déesses

بلاشر، این دو جمله را علی‌رغم آگاهی‌اش از وجود اختلاف بین اهل علم پیرامون اثبات داستان غرانیق، افزود، با اینکه می‌دانست که این مساله، افتراء و تهمت به رسول اکرم ﷺ و ضربه زدن به عصمت و پاکی ایشان در مسیر تبلیغ رسالت است. اصل این داستان، با اختصار، حادثه‌ای است که برای پیامبر ﷺ در مکه در آغاز دعوت رخ داده و گفته شده که او در مکه سوره نجم را قرائت نمود؛ هنگامی که به موضع (أفرأیتم السلات و العزی و مناة الثالثة الأخری) رسید، شیطان به زبانش عبارت «تلك الغرانیق العلی و إن شفاعتھن لترتجی» را جاری نمود. بنابراین مشرکان خوشحال و شاد شدند و گفتند: تا پیش از امروز، محمد از خدایان ما، به خیر و نیکی یاد نکرده است. اما به عکس، اغلب اهل علم بر این مساله که پیامبر ﷺ از زیادت و نقصان در وحی معصوم است، و شیطان راهی بر وی ندارد و بر بندگان مخلص خداوند غلبه و سیطره نمی‌یابد. متأسفانه، بلاشر، این داستان ضعیف را انتخاب کرد و دو جمله آن را به متن قرآن افزود.

۲- نمونه دیگر، در سوره طه است که بلاشر به جعل و دستکاری ترتیب آیات پرداخته است؛ وی آیات ۶۲-۶۳-۶۴ (با شماره ۶۵-۶۶-۶۷ نزد خودش) را از مواضعش برگرفت و آن را در بین دو آیه ۶۰ و ۶۱ (با شماره ۶۲ و ۶۳ در نزدش) بدون کمترین توجیه، گنجانده.

۵-۳. ترجمه محمد ﷺ به: Mahomet

غالباً اسم‌ها دارای دلالت معینی هستند؛ نام پیامبر اکرم، «محمد(ﷺ)»، صیغه مبالغه از حمد است، به این معنا که خصلت‌ها و صفاتش پسندیده است. همچنین، محمد به معنای «المحمود الخصال» (کسی که دارای صفات نیکوست و ستوده و مورد شکر و سپاس واقع

شده) و «مرضی الأفعال» (دارای افعال پسندیده و برتر) آمده است (نک: ابن منظور، ۲۳۰/۶). در پژوهشها و بررسی‌های شرق‌شناسی، نام حضرت محمد ﷺ به زبانهای بیگانه و خارجی، مطابق این سه شکل MAHOMET, Muhammad و Mohammed ترجمه شده است. بلاشر در همه آثارش، MAHOMET را برگزیده، و علاوه بر این که این تسمیه و نامگذاری، لفظ اصلی را محترم ندانسته، و ترجمه‌ای وام‌گیرانه است، بار ایدئولوژیکی منفی دارد و بعید بوده که بلاشر از این مساله، غافل بوده باشد. احتمالاً لفظ MAHOMET، از «ما حُمِدَ» که اصلش عبری است، گرفته شده است تا نفی حمد از حضرت رسول ﷺ صورت گیرد و بر وزن مُفَعَّل عربی یعنی مُحَمَّد نباشد. کلمه MAHOMET طبق قاموس Dictionnaire du Diable، در بردارنده معنای «mauvais genie» (نیوغ شیطانی) و esprit (روح) است، همانطور که در مقاله‌ای که میشل ماسون^۱، با عنوان «A propos de la forme de nom de Mahomet» (درباره شکل نام محمد) نوشته، برخی معانی منفی را برای کلمه MAHOMET ذکر کرده که به ترتیب عبارتند از: بت، هیولا و شیطان، در جملات زیر:

« (...) Les noms de Mahomet mentionnés ci-dessus peuvent être utilisés aussi avec les sens de «idole», «monstre» et «diable». (ماسون، ۳)

از این رو، چنین ملاحظه می‌شود که وجه تسمیه و نامگذاری MAHOMET، از نگاه بلاشر، قراردادی و اختیاری نیست، بلکه ارتباط مستحکمی با ایدئولوژی دینی دارد که نشانه‌هایش در بسیاری از آثارش آشکار شده است. در حالی که شرق‌شناس بی‌طرف فرانسوی ژاک برک که قبل از وفاتش مسلمان شد، برای ترجمه «محمد» واژه Muhammed را برگزید.

۵-۴. برخی خطاهای ترجمه

ترجمه قرآن کریم رژی بلاشر متضمن بسیاری از خطاهای ترجمه‌ای در برخی سطوح بوده، و احتمالاً این خطاها عمدی است و هدفش، تحریف اهداف و مقاصد قرآن است. از

1. Michel masson

میان این مغالطه‌ها و تحریفات، و بدون توجه به هرگونه طبقه‌بندی یا ترتیب وی در دو ترجمه‌اش، موارد زیر را قابل بیان است:

۱- بلاشر، آیه کریمه «أقرأ باسم ربك الذي خلق» (علق ۱/۱) را به شکل ذیل ترجمه کرده:

Prêche au nom de ton Seigneur qui créa! (بلاشر، ۶۵۷)

ترجمه فارسی: «به نام پروردگارت که آفرید موعظه کن».

و مقصود از فعل prêcher در زبان فرانسه، «نصیحت و موعظه کرد» است، همان‌طور که

در معجم Le larousse چنین وارد شده این است:

«Recommander instamment à quelqu'un la pratique de quelque chose, préconiser, conseiller.»

به نظر می‌رسد که بلاشر بر این انتخابش اصرار دارد، بدون این‌که آن را توجیه نماید، و او در حاشیه ترجمه‌اش چنین نوشت: إقرأ، معنایش، عِظ (پند بده) است و معنایش، «بخوان» نیست، با اینکه معمولاً به معنای «بخوان» ترجمه می‌شود. وی در دلالت و ارزش اولین کلمه ای که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده یعنی «إقرأ» تشکیک وارد ساخته، با اینکه مفسران مسلمان آن را به دو معنا ربط داده‌اند: معنای نزدیک (با نام پروردگارت بخوان قرآن را که به سویت نازل شده) و معنای دور (علم را طلب کن)، به ویژه که در سوره علق، بر عظمت و بزرگی مقام قرائت و تعلّم و توجه به آن دو تأکید شده است. بلاشر عامدانه از این ارزش والای دلالتی، از طریق حصر «إقرأ» در موعظه و پند و اندرز، چشم پوشیده و باعث شده تا خواننده فرانسوی زبان، به ارزش علمی که به گفته قرآن، تنها از طریق قرائت و خوانش، به آن می‌توان دسترسی یافت، واقف نگردد. این مساله در حالی است که حمید الله و ژاک برک، همین کلمه «إقرأ» را به واژه فرانسوی «Lis» (بخوان) ترجمه کرده‌اند.

۲- ظاهراً بلاشر بر ترجمه بسیاری از الفاظ و کلمات وارده در قرآن کریم، به الفاظ مسیحی یا یهودی با بار دلالتی خاص اصرار دارد، به عنوان نمونه، آیه مبارکه ۶۹ سوره نساء را این‌گونه ترجمه کرده:

«وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ

وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا» (و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند البته با کسانی که خدا به آن‌ها لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد، و اینان نیکو رفیقانی هستند).

«Ceux qui obéissent à Allah et à l'Apôtre, ceux-là sont avec les Prophètes, les justes (siddiq), les Témoins et les Saints qu'Allah a comblés de bienfaits. Combien ceux-là sont bons comme compagnons» (بلاشر، ۱۱۶)

در این جا سه نکته حایز اهمیت است:

الف) ترجمه لفظ «رسول» ﷺ به Apotre که فرهنگ لغت فرانسوی Le Larousse آن

را به شکل ذیل تعریف کرده است:

« Bas latin apostolus, du grec apostolos, envoyé de Dieu. Nom qui désigne dans les premiers temps de l'Église soit les douze disciples choisis par Jésus (...), soit les premiers messagers de l'Évangile appelés par vocation particulière (...). Nom de ceux qui ont, les premiers, porté l'Évangile dans une ville ou dans un pays »

این تعریف، اصل معنای کلمه مسیحی Apotre را که همان حواری است آشکار

می‌نماید. طبق آنچه در لسان العرب آمده، حواریون، برگزیده پیامبرانی اند که برایشان خالص شدند و اخلاص داشتند؛ زجاج می‌گوید: حواریون، از افراد پاک و خالص و برگزیده پیامبران‌اند. دلیل آن، سخن پیامبر ص است که فرمود: زیبر، پسرعمه‌ام و حواری من از میان امت من است، یعنی از اصحاب و یاران خاص من. اصحاب و یاران پیامبر ﷺ، حواریون‌اند، و تأویل و تفسیر حواریون در زبان عربی، افرادی‌اند که خالص شدند و اخلاص داشتند و از هر عیبی پاک و مبرا شدند. به یاران و اصحاب عیسی ﷺ گفته شد: حواریون (اصحاب برگزیده و مخلص و خالص) به خاطر سفیدی، زیرا آنها قصار (لباس‌شو) بودند (ابن منظور، ۱۶/۲۵۰).

در آغاز دعوت، عیسی مسیح ﷺ پیروانی را برگزید، پیروانی که از آنها جهت انتشار

دعوت یاری و کمک می‌گرفت، خداوند متعال در آیه ۱۴ سوره صف می‌فرماید: «كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ اَنْصَارِي اِلَى اللّٰهِ» (همان‌گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟»). این پیروان به نام شاگردان عیسی ﷺ شناخته

شدند و ایشان گروهی از آنها را برگزید و آنها را به نام رسولان و فرستادگان نامگذاری نمود. آنها یاران عیسیای پیامبر اند و از جمله آنها، فرستادگان و رسولانش به نزد اهل طائف بوده است. حال پرسشی مطرح است که آیا جائز است که لقب حواری را بر خاتم پیامبران خدا و شریف ترین فرستاده خدا اطلاق نماییم؟ هرگز، زیرا حواری، بشارت دهنده است و نمی تواند پیامبر و رسول باشد. ژاک برک، برای ترجمه «رسول» به لفظ فرانسوی Envoye (فرستاده شده) را برگزیده است (برک، ۱۰۵)؛ بدین شکل بر می گزیند:

“Car obéir à Dieu et à Son **envoyé**, c’est rejoindre ceux que dieux a gratifiés: prophètes, hommes de vérité, martyrs et **justifiés**; Oh! la compagnie excellente”
(النساء/۶۹)

(و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگاند و آنان چه نیکو همدانند).
در حالی که حمیدالله استعمال کلمه Messenger (پیامبر) را برگزیده است (حمید الله، ۹۵)
بدین شکل:

«Quiconque obéit à Dieu et au **Messenger**, c’est ceux-là qui seront avec ceux que Dieu a comblés de Son bienfait prophètes, véridiques, martyrs, **gens de bien** ; et quels bons compagnons que ceux-là» (النساء/۶۹)

(ب) طبری کلمه «الشهداء» را اینگونه تفسیر کرده است: الشهداء، جمع شهید بوده و کسی است که در راه خدا کشته شده است و بدین دلیل به آن نام نامگذاری شده که با شهادت حق در راه خدا، ایستادگی نمود تا این که کشته شد (طبری، ۱۶۲/۷). کلمه الشهداء در زبان فرانسوی با نام martyrs شناخته می شود. اما بلاشر «شهداء» را به لفظ Les Temoins یعنی «شهود» (شاهدان و گواهان) جمع «شاهد» ترجمه کرده است. آیا این خطا به غفلت بلاشر از اصل کلمه و خلط میان «شهید» و «شاهد» بر می گردد، یا هدفش، کاستن از جایگاه و مقام شهیدان بوده است؟

(ج) بلاشر، «صالحین» (نیکوکاران) را - که براساس گفته طبری، سیرت، باطن و ظاهرشان نیکو است - به les saints ترجمه کرده است. در این جا بلاشر، بار مفهومی

مسیحی را به متن قرآن افزوده، زیرا مقصود از کلمه saint طبق فرهنگ Le Larousse فرانسوی^۱، «قدیس» است. و قدیس نزد مسیحیان، فرد مؤمنی است که در حال پاک‌ی و فضیلت، وفات می‌یابد و از لقب‌های مسیحیان و یهودیان است که آن را بر اُخبار و راهبان‌شان اطلاق می‌کنند. این در حالی است که ژاک برک این لفظ را به justifies ترجمه کرده، در حالی که حمید الله، کلمه gens de bien را برگزیده، در حالی که کلمه vertueux (با فضیلت) معادل صحیح تری به نظر می‌رسد.

۲- بلاشر آیه ۱۲۵ سوره بقره، «و اذ جعلنا البیت مثابه للناس و امنا» (و چون خانه

کعبه را مرجع امور دینی مردم و محل امن قرار دادیم) را بدین شکل ترجمه کرده:

«Et [Rappelez-vous] quand Nous fimes du **Temple** [de la Mekke] un lieu de visitation et un asile pour les Hommes... »

در این ترجمه مقصود از کلمه «بیت»، بیت‌الله الحرام (خانه کعبه) است که بلاشر آن را به Temple (معبد) ترجمه کرده و اگر این لفظ معنی عمومی و کلی دیگری را دارا باشد که همان «مکان عبادت» است، در مقابل، معانی دینی دیگری را نیز دارد که اساساً آن معانی، مربوط به یهودیت و مسیحیت است.

عبارت «le temple de salomon» یا «le temple de Jerusalem»، یعنی «هیكل

سلیمان» یا «معبد قدس»، نزد یهود، مهم‌ترین مکان عبادت است که به گمان یهود، سلیمان آن را برای یهودیان و دیانتشان بنا نهاد و ساخت. مفهوم معبد، به خصوص نزد فرانسوی‌ها، مربوط به مسیحیت پروتستانی است و با کنیسه کاتولیکی متفاوت و متمایز است به گونه‌ای که در زیر، شرح آن آمده است:

«Les protestants français ont préféré utiliser ce terme de temple plutôt que celui d'église qu'ils ont réservé pour désigner l'assemblée des fidèles»^۲.

1. «Chrétien canonisé dont la vie est proposée en exemple par l'Église et auquel est rendu un culte public. - Représentation, statue d'un personnage auquel les Églises catholique ou orientales rendent un culte public.

- Homme, femme, d'une piété et d'une vie exemplaires.

(مسیحی مقدس که زندگی او به عنوان الگو و اسوه توسط کلیسا ارائه می‌شود و عبادت عمومی برای او انجام می‌شود؛ همچنین به معنای نمایندگی و مجسمه شخصی که کلیساهای کاتولیک یا شرقی جنبه عبادت عمومی برای او قائلند می‌باشد؛ همچنین به معنای زن، مرد و یا الگویی در تقوا و سبک زندگی است).

2. <http://temples.free.fr/definition.htm>

«پروتستان‌های فرانسه ترجیح دادند از اصطلاح معبد به جای اصطلاح کلیسا استفاده کنند و این اصطلاح خود را برای تعیین انجمن مومنان در نظر گرفتند».

آنچه موجب تردید در قصد و نیت بلاشر در ترجمه «البیت» به عبارت temple - که دارای دو دلالت یهودی و مسیحی است - می‌شود، این است که ژاک برک، از استعمال معنای مشکوک temple در آیه خودداری کرده، و لفظ la maison را در ترجمه‌اش برگزیده که به معنای بیت‌الله (خانه خدا) یا بیت الحرام است؛ وی نوشته:

«Lors Nous constituâmes de **la Maison** un lieu de retour et de sauveté pour les hommes, pour les gens, et un asile.» (بقره/۱۲۵)

حمیدالله نیز چنین ترجمه کرده است:

«Et quand Nous fimes de la Maison une retraite, pour les gens, et un asile.» (بقره/۱۲۵)

نتایج مقاله

۱. راهبردها و سیاست‌های بلاشر در ترجمه قرآن - از خلال جعل و دستکاری ترتیب آیات و تصرف در متن اصلی و مبدا - که گاهی با حذف عناصر اصلی و گاهی با افزودن عناصر دیگر، در پیش گرفته و نیز تحریف دلالت‌های الفاظ اسلامی با دادن رنگ مسیحی یا یهودی به آنها، واقعیت‌هایی است که به ناچار باید آن را پذیرفت.

۲. ترجمه محمد حمیدالله یکی از برجسته‌ترین ترجمه‌های معانی قرآن کریم به زبان فرانسه است، اما خطاهایی دارد و در آن موارد، قادر به انتقال صحیح مفهوم دقیق و کامل متن قرآن به خواننده فرانسوی زبان نبوده است. پس از اعمال برخی اصلاحات منتشر شد.

۳. ترجمه برک، از جمله ترجمه‌های تقریباً منصفانه در میان ترجمه‌های خارجی قرآن قلمداد می‌شود که از جهات متعددی با ترجمه بلاشر تفاوت ماهوی دارد و اشکالات بسیار کمتری نسبت به ترجمه بلاشر دارد.

۴. بلاشر، متن و مضمون قرآن را مانند هر متن و مضمونی که به راحتی می‌توان آن را ترجمه نمود، به شمار آورده و اعجاز، قدسیت، و مقدس بودنش را از آن نفی می‌کند

۵. ترجمه‌هایی مانند ترجمه بلاشر، نشان از تلاش بسیاری از خاورپژوهان برای تخریب ساحت قرآن و تحریف آن با هدف مبارزه با اسلام و مسلمانان دارد، و آنان بهترین وسیله را در این مسیر، ترجمه قرآن دانسته‌اند.

۶. جدایی ایدئولوژی از ترجمه، سخت و دشوار است و در حقیقت، ایدئولوژی در همه انواع ارتباط، مسأله‌ای اجتناب‌ناپذیر است؛ در موارد متعدد، ایدئولوژی به متن ترجمه شده (متن مقصد)، از خلال غفلت فرد مترجم، نفوذ می‌یابد، چراکه مترجم سرشار از افکار و اعتقادات خاص خود است. ترجمه متون دینی همچون بقیه آثار فکری، خالی و مبرا از چنین وضعی نیست؛ اما دلیلی ندارد که پایبندی و وفاداری مترجم به ایدئولوژی ای خاص، موجب خارج شدن وی از قواعد ترجمه شود و باعث تحریف معنای متن اصلی و مشوه ساختن آن گردد. به خصوص در متونی حساس مانند متون دینی و از جمله قرآن که متنش دارای اعجاز بیانی است و ترجمه نادرست آن، به اعجاز بیانی‌اش لطمه وارد می‌سازد و از سوی دیگر، زوایای اعجاز آن را نیز منتقل نمی‌نماید؛ با این حال تمام ترجمه‌های استشراقی قرآن چنین وضعی را ندارد و در میان آنها ترجمه‌های مفید و خوبی نیز وجود دارد که از نظر شکل و مضمون به متن قرآن پایبند بوده‌اند.

کتابشناسی

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ق.
۲. اسماعیلی، نسرین و همکاران، بررسی نشانه معناشناختی واژگان «ذکر» و «خیر» در قرآن و معادل‌های آن‌ها در هفت ترجمه‌ی فرانسوی قرآن کریم، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، بهار، شماره ۲۸؛ ۱۳۹۶ش.
۳. بدوی، عبد الرحمن، موسوعه المستشرقین، بیروت: دار العلم للملایین، ط ۲، ۱۹۸۹م.
۴. بقاعی، محمد خیر بن محمود، ترجمات معانی القرآن الکریم إلى اللغة الفرنسية رينيه خوام وأندريه شوركي وجاك بيرك نموذجاً، مصر: دار الكتاب، ۱۴۲۲ق.
۵. بن نبی، مالک، إنتاج المستشرقين وأثره في الفكر الإسلامي الحديث، الجزائر: مسجد الطلبة بالجامعة، ۱۹۶۹م.
۶. حکم، علی بدر الدین، الترجمات الفرنسية المعاصرة للقرآن، مجلة اللغة و الآداب، مصر، ۲۰۰۱م.
۷. ترابلسی، شادیه، مقاله فرانسوی «ترجمه‌ی قرآن: مقابله و بررسی چهار ترجمه از سوره نور به فرانسسه»، نوشته مترجم: هلیا ناصرگیوه چی، مجله: ترجمان وحی، پاییز و زمستان، شماره ۳۴، ۱۳۹۲ش.
۸. توامه، عبد الجبار، نقد ترجمة القرآن إلى الفرنسية في ضوء المنهج السياقي: ترجمة جاك بيرك نموذجاً، مجله: المترجم، المجلد ۸، العدد ۲، ۲۰۰۸م.
۹. جوزف، غازی، ترستان ویلیانو و محمد خالی، بررسی ترجمه فرانسوی قرآن نوشته آندره دوریه، مجله فرانسوی مطالعات اسلامی، شماره ۲۶۶، ۲۰۰۱م.
۱۰. حدیدی، جواد، نقدی بر ترجمه بلاشر، مجله ترجمان وحی، اسفند، شماره ۲، ۱۳۷۶ش.
۱۱. حملیل، سنجیه، منهج جاك بيرك في ترجمة معاني القرآن دراسة تحليلية نقدية، رسالة الماجستير، الجزائر: جامعة الجزائر، ۲۰۱۱م.
۱۲. خوشحال، یاسین، نگاهی به نخستین ترجمه‌های قرآن به فرانسه، نوشته، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، تابستان، شماره ۱۵، ۱۳۸۳ش.
۱۳. رضوان طلب، زینب و احسان دباغ، بررسی مقایسه‌ای برگردان استعاره‌هایی از سوره بقره به زبان فرانسوی از منظر راهبردهای نیومارک: مطالعه موردی ترجمه‌های رژیس بلاشر و ژاک برک، فصلنامه زبان پژوهی، دوره ۱۳، شماره ۳۸ بهار، ۱۴۰۰ش.
۱۴. سعید، ادوارد، الاستشراق: المعرفة، السلطة، الإنشاء، ترجمة: کمال أبودیب، بیروت: مؤسسه الأبحاث العربية، ۱۹۸۱م.
۱۵. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ط ۲، ۱۴۲۰ق.
۱۶. قاسمی، محمد احمد، الإعجاز البیانی فی ترتیب آیات القرآن الکریم و سوره، مصر: بی جا، ط ۱، ۱۹۷۹م.
۱۷. محمد، إسماعیل علی، الاستشراق بین الحقيقة والتضليل: مدخل علمی لدراسة الاستشراق، قاهره: دار الكلمة للنشر، الطبعة الثالثة، ۲۰۱۴م.

18. Berque Jacques, Le Coran - Essai de traduction, Editions Albin Michel, Paris, 1995.
19. Blachère Régis, Le Coran, Maisonneuve et Larose, Paris, 1966.
20. Guidère Mathieu, « Qu'est-ce que la communication orientée », in Traduction et Communication orientée, Le Manuscrit, Paris, 2009.
21. Hamidullah Muhammad, Le Saint Coran et la traduction en langue française du sens de ses versets, Club français de Livre, France, sans date.
22. Laoust Henri, « Notice sur la vie et les travaux de M. Régis Blachère, membre de l'Académie », in: Comptes rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres, 121^e année, N. 3 , pp. 560-576, 1977.
23. Larzul, Sylvette, Les premières traductions françaises du Coran (xviie-xixe siècles), Archives de sciences sociales des religions, vol. 147, "Traduire l'intraduisible", juillet-septembre, p. 147-165, 2009.
24. Le Larousse, <http://www.larousse.fr/dictionnaires/francais>.
25. Masson Michel, "A propos de la forme du nom de Mahomet", paris: Bulletin de la SELEFA, n° 2, Université Sorbonne Nouvelle - Paris 3, pp1-8, 2003.
26. Sadek, Gaafar & Salah Basalamah, Les débats autour de la traduction du Coran, journal Théologiques, Volume 15, Number 2, 2007, p. 89-113, 2008.